

کتابخانه عمومی «تر بیلیغات»
وقف اسلامی - قم



سال سوم

مرداد ماه ۱۳۱۴

شماره ۳

ویکتور هوگو

بمناسبت پنجاهمین سال وفات او

بقلم آقای نصرالله فلسفی

پنجاه سال پیش در ۲۲ ماه مه ۱۸۸۵ در خیابان ایلوا پاریس مردی ازین جهان رفت. آفتابی در آسمان شعر و ادب غروب کرد. شاعری که قریب یکقرن با چراغ افکار خویش راهنمای انسانیت بود دم فرو بست. حقیقتجویی که درین گیتی جز افسانه ندیده بود از پی مقصود بعالم دیگر شتافت. ویکتور هوگو مردی نابغه‌ای که تمدن جدید بوجود او بر قرون گذشته میباید نابود شد.

ولی نوانغ نمی‌میرند و اگر از انظار بشر ناپدید شوند نابود نمیشوند. میتوان گفت که دست مرگ ایشان را از مجازی بحقیقی و از عدم بوجود میبرد. در صورت اینجهانی خویش میمیرند ولی بصورت دیگر جلوه میکنند و میان این دو صورت تفاوت بسیار است، یکی میمیرد و دیگری حیات میبخشد.

شعر و ادب و فکر فناپذیر نیست؛ زیرا مایه بقا و رشد و تربیت روح است. تاروح باقیست شعر و ادب و فکر باقیست. این هر سه درین گیتی تجلی وجود خدا و از مرگ در

امانند. برای مردمان صاحب فکر وجود خاکی حجابیست، چون این حجاب از میان برخیزد افکار پدیدارتر و آزادتر میشوند. پس از مرگ صاحب فکر غبار اغراض و حسادتها که آرایش زندگانی مادیست از پیرامون افکار فروزان او پراکنده میشود و آن فروزندگی بی هیچ مانعی جلوه میکند. پس میتوان گفت که مرگ مردم صاحب فکر آغاز حیات جاودانی ایشانست،

خوشا حالت خوب صاحب سخن که مرگش به از زندگانی بود

کسانیکه منکر بقای روح و چند بقای روح شعرا و نویسندگان و صاحبان سخن را انکار نمیتوانند کرد، چه ایشان روح خویش را در آثار خود بکار برده و در گفته خویش نهان شده اند. تا آثار ایشان بر سلهای آینده حاکم باشد ارواح آنان نیز بر مرگ چیره خواهد بود و چون انسان در هر تمدنی نیازمند آثار روحی گذشتگانست صاحبان فکر و سخن زنده جاویدند.



از میان شعرا و نویسندگان قرن نوزدهم لقب «ژنی» یا نابه فقط شایسته و یکتور هوگو است. هیچیک از شعرای این قرن نتوانسته است مانند او معمای حیات را بزبان شعر تشریح کند و هیچیک از صنعتگران قابل آزمون در نمایش صور گوناگون عالم هستی، از زشت و زیبا، بیایه او نرسیده است.

آثار هوگو مانند آئینه ایست که انواع احساسات و عواطف و عشقها و تمام مصائب و آلام و سختیهای آنرا که مایه تحریک و اضطراب و امید یا موجب تأثر و تنگدلی و خشم بشر است در آن میتوان دید و بدین سبب آثار او مربوط بیک ملت و قوم نیست، بلکه راهنما و آموزگار و تسلی بخش و عبرت آموز و مربی انسانیت است. طایر خیال او بر محیط محدود این گیتی چون تنگ قفسی مینگریسته و همواره مشتاق بوده است که ازین تنگنا فراتر پرواز کند و در فضائی آزادتر بال گشاید. بهمین سبب گاه این مرغ بلند پرواز بجائی رسیده است که فهم اسرار آن بر محبوسین این خاکدان دشوار است. نیروی روح شاعرانه او بحدیست که بموجودات بیجان نیز جان میدمد و بر آنچه که در دیده دل بشر مبهم و در نمایشگاه طبیعت تاریکست روشنی مینماید. بهمین سبب در اشعار او درخت و چشمه و باد و دریا نیز سخن میگویند.

سرود عشق میخوانند، میگیرند، مینالند، عشق میورزند و در پیش آنکسی که با اسرار عالم وجود محرم است سمیعند و بصیرند و خوشند...



آثار هوگو نماینده قرن پر انقلاب نوزدهم است. مدارج انقلابات فکری و سیاسی این قرن را در آثار او باید دید. زمانیکه هوگو درین جهان چشم گشود (۲۶ فوریه ۱۸۰۲ م ۲۲ شوال ۱۲۱۶ هـ) ناپلئون بر فرانسه حکمروای مطلق بود. مردم فرانسه پس از حکومت جمهوری که با خونریزیهای فراوان بدست آمده بودند ناگزیر باطاعت بناپارت گردن نهاده بودند و این اطاعت تا سال ۱۸۱۴ دوام یافت.

درین مدت ملت فرانسه جز غریب و پ و آوای کوس جنگ آوازی نشنید، جز با



ویکتور هوگو در سالهای کودکی
(کار دوریا «Déveria» نقاش آن زمان)

سازنبر دیبا یکوبی بر نخاست و جز از خون همسایگان ساغر نگرفت. هوگو درین ایام خردسال بود. در آغوش مادر^۱ از هر خطری بیخبر میزیست و هنگامیکه پدرش^۲ در میدانهای ایتالیا و اسپانی برای امپراطور جانبازی مینمود او در خانه با نامزد و آرام جان آینده خویش^۳ بازی میکرد. اینهم یکی از اسرار آفرینش است که از پدری جنگجوی پسری شاعر بوجود میآورد

و از آتش سوزنده آب ملایم بر میانگیزد، هوگو خود در قطعه‌ای گفته است که: «اگر شاعر نبوده سر باز میشدم».

روزهای کودکی هوگو ایام عظمت و جهانگیری بناپارت بود. در آن ایام جز نام امپراطور و داستان فتوحات او چیزی نمیشنید و در سفرهاییکه با مادر خویش از دنبال

۱ — سوفی فرانسواز تر بوشه — Sophie-Françoise Trébuchet.

۲ — کنت سی زیس بر هوگو — Comte Joseph-Léopold-Sigisbert Hugo.

۳ — آدل — Adel.

پدر در فرانسه و ایتالیا و اسپانی میگرد آثار قدرت و بزرگی و استیلای او را بچشم میدید. بهمین سبب در قلب جوان او از آن قدرت و عظمت ناپایدار نقشی دیر پای بوجود آمد و در وی نسبت با امپراطور حس ستایش و احترامی ایجاد شد که تأثیر آن در غالب آثار وی پدیدار است. سال ۱۸۱۴ فرانسید. ناپلئون مغلوب دشمنان شد و طبع جهانجوی او بحکومت جزیره ای خرسندگشت. سپس چون صدروز دیگر آسایش جهان را برهم زد دست قضا او را بر تخته سنگی میان امواج اقیانوس در بند کرد و آنجا دم سرد مرگ آتش آز او را فرو نشاند. خاندان بوربن بار دیگر بر تخت سلطنت فرانسه نشستند و ملتی که بخون ایشان دست شسته بود باز پای خدمت در رکاب کرد.

در دوره بازگشت خاندان بوربن بساطت (۱۸۱۴ تا ۱۸۳۰ م.) و یکتور هوگو زمانی سرگرم تحصیل و زمانی مشغول نغمه سازی و نامجوئی بود. پدرش نخست مایل بود که او در علوم ریاضی کار کند ولی پسر علوم ریاضی را بازچه مینداشت و دایره تنگ آنرا برای جولان فکر عالمتاز خویش محدود میدید؛ پس رو بادبیات نهاد و درین هوای بلند بال گشود.

نخستین آثار هوگو از نظم و نثر با آنکه از فکری جوان پدید آمده بود مایه شهرت وی گردید و دیده انجمنها و محافل ادبی را بدان نهال جوانی که چندی بعد عالمی را در زیر سایه گرفت متوجه ساخت. در آن ایام هوگو هواخواه سلطنت و مداح و وظیفه خوار پادشاهان بوربن بود.



درین زمان شبک رماتیسیم که از اواخر قرن هجدهم در آلمان و انگلیس رونقی یافته بود در فرانسه نیز هوا خواهانی پیدا کرد. نویسندگان زبر دستی مانند شاتوبریان^۱ و مادام اشتال^۲ رهنمای این فکر شدند و شاعری چون لامارتین^۳ بدان سبک نغمه سازی آغاز کرد. ولی جمع طرفداران رماتیسیم پراکنده بود و جمع پراکنده چه میتواند کرد؟ برای ترویج و حمایت رماتیسیم دلی شجاع و دماغی صاحب فکر و قلمی توانا لازم بود. هوگو

که نخست سبک قدیم را پیروی میکرد با این سه قوه خداداد پیشقدم شد و با آثار گوناگون



بزرگترین سرهای رمانتیک

در کاریکاتورهاییکه از ویکتور هوگو کشیده شده
نمایش بیشانی بلند او بیشتر طرف توجه مخالفین بوده است.

منظوم و منشوری که سبک جدیدنگاشت
در دفع مخالفان حربه های برنده ساخت.
ته آتر کر مول^۱ اشعار شرقی^۲، آخرین
روزیک محکوم، ماریون دولرم^۳،
ارنانی^۴، داستان تردام^۵ از جمله
آثار او درین دوره است.

راهی را که هوگو در رشته های
مختلف با رهوار رمانتیسیم پیمود پیش
ازو نیز شعرا و نویسندگانی پیموده
بودند. تفکرات شاعرانه^۶ لامارتین
برقصائد و ترجیعات^۷ او مقدم بود،
کتاب آلمان^۸ مادام اشتال پیش از
مقدمه ته آتر کر مول وی در تعریف
رمانتیسیم نوشته شده بود و والتر اسکات^۹
انگلیسی پیش ازو داستانهای سبک

تازه منتشر ساخته بود، ولی در ادبیات هر کس که فکری بدیع و تازه آورد صاحب آن نمیتواند شد
و همیشه افکار خوب از آن کسی خواهد بود که در بکار بردن آنها استادی نماید.

در سبک رمانتیسیم نیز نویسندگانی بر هوگو پیشی داشتند ولی مروج حقیقی این
سبک هوگو بود که در راه مقصود از موانع نهر اسید و از تهمت و خصومت مخالفان بیمی بدل
راه نداد و بهمین سبب او را مبتکر و موجد رمانتیسیم میخوانند.

سلطنت خاندان بوردن بار دیگر در سال ۱۸۳۰ پایان رسید. لوئی فیلیپ^{۱۰}
از خانواده ارئان^{۱۱} بر تخت نشست. احساسات شاعر چون پروانگان بیقرار است. ویکتور

۱-Cromwell، ۲-Les Orientales، ۳-Marion de Lorme، ۴-Hernani، ۵-Odes et Ballades، ۶-Notre-Dame de Paris، ۷-Les Méditations، ۸-De l'Allemagne، ۹-Walter Scott، ۱۰-Louis Philippe، ۱۱-Orléans

هوگو نیز هواخواه سلطنت جدیدگشت. تأثرهای لوکس برژیوا^۱، ماری تودر^۲، آنژلو^۳،



در دوره جدال رمانتیسیم و کلاسیسیسم طرفین در روزنامهها غالباً کاریکاتورهایی در هجو یکدیگر منتشر میساختند. کاریکاتور فوق را یکی از جرائد طرفدار کلاسیکیها منتشر ساخته بود.
هوگو بر رهوار رمانتیسیم سوار است و بر جمی در دست دارد که روی آن نوشته اند «زیبایی در زشتی است». از دنبال او نیز هواخواهان بزرگ رمانتیسیم: توفیل گوته «Th. Gauthier» کاسانیا «Cassnag»، فرانسی وی «F. Wey»، پول فوشه «P. Fouché»، سوارند و از دنبال آن چهاراژن سو «E. Sue» سعی میکند که خود را بیایه ایشان برساند و از فضای همه آکساندر دوماسواران را براندن آن مرکب تشجیع میکند. در بالای تصویر نیز لامارتین «A. de Lamartine» در میان ابرها غریق تفکرات شاعرا نه خویش است.

روی بلاس^۴، بورگراوها^۵ و مجموعه اشعار بر گهای خزان^۶، نعمات صبحدم^۷، آواز های درونی^۸، روشنائیها و تاریکیها^۹ از جمله آثار است که از ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۵ منتشر ساخت. درین مدت سبک تازه رمانتیسیم بر سبک کهنه کلاسیسیسم غالب شده بود و طرفداران سبک تازه در آکادمی فرانسه بیشتر بودند. ولی محافل ادبی نیز خالی از اغراض نیست بلکه این آتش در محفل مردم حساس تندتر است. هوگو دو بار نامزد عضویت آکادمی شد.

۱- Lucrèce Borgia. ۲- Marie Tudor. ۳- Angelo. ۴- Ruy Blas. ۵- Les Bourgraves.
۶- Les Chants du Crépuscule. ۷- Les Feuilles d'Automne.
۸- Les Rayons et les Ombres. ۹- Les Voix intérieures.

ولی هر دو بار غرض بر حقیقت و حسد بر نام غلبه کرد و کسانی بناحق بر او پیشی یافتند و آکادمی تا سال ۱۸۴۱ از افتخار عضویت او محروم ماند.



هوگو چون در شعر و نثر بلند نام شد خواست که در سیاست و خطابت نیز سرآمد اقران باشد؛ پس بدین مقصود متوجه گشت و در سال ۱۸۴۸ دو ماه پس از برافتادن لوئی فیلیپ و ایجاد حکومت موقتی، بوکالت رسید و چون خیال ریاست جمهور در سر داشت بطرفداری از حکومت جمهوری قیام کرد.



چون لوئی ناپلئون برادرزاده ناپلئون بزرگ رئیس جمهور فرانسه شد و در سال ۱۸۵۰ سخن از تجدید انتخاب وی بمیان آمد، هوگو در مجلس بمخالفت او برخاست چه از سلطنت خواهی وی آگاه بود. ولی ناپلئون در ۱۸۵۱ کودتا کرد و هوگو را با جمعی دیگر از مخالفان خوش تبعید نمود.

در تمام دورهٔ امپراطوری ناپلئون سوم، هجده سال، هوگو دور از وطن، اندک تصویر ویکتور هوگو در سال ۱۸۵۳ این عکس در جزیرهٔ گرنزه برداشته شده

زمانی در بلژیک و دیرزمانی در جزائر انگلیسی ژرزه^۱ و گرنزه^۲ بسر برد. آثار او در دورهٔ تبعید دو گونه است: یکی آنچه در هجو ناپلئون سوم و برضدوی گفته که خالی از اغراض نیست. مانند کيفرها^۳ و کتب ناپلئون کوچک^۴ و تاریخ يك جنایت^۵. دیگر آثار ادبی گرانبهای او مانند منظومه‌های تفکرات^۶ و افسانهٔ قرون^۷ و داستانهای تیره بختان^۸

۱ - Jersey - ۲ - Guernesey - ۳ - Les Châtiments - ۴ - Napoléon le Petit - ۵ - Histoire d'un crime - ۶ - Les Contemplations - ۷ - La Légende des Siècles - ۸ - Les Misérables

وکارگران دریا^۱ و مردی که میخندد^۲ و کتابی راجع به ویلیام شکسپیر^۳.

در سال ۱۸۷۰ ناپلئون سوم بخيال اینکه اساس سلطنت خاندان خویش را استوار سازد با دولت پروس از در جنگ در آمد و شکست سدان^۴ بنیان پادشاهی او را واژگون ساخت. ویکتور هوگو آزادشد و بیاریس بازگشت. شکستهای سیاسی و دوری از وطن قریحه آسمانی او را قوی تر و آتش احساسات او را تندتر کرده بود. در پیری نیز از



ویکتور هوگو در میان نوادگان خود
ژرژ و ژان

نیروی فکر او کاسته نشد. کتب رفتارها و گفتارها^۵، نود و سه^۶، فن پدر بزرگ بودن^۷، ادیان و دین^۸ و منظومه های سال مخوف^۹، قسمتی دیگر از افسانه قرون، پاپ، خر و ته آترتر کمادا^{۱۰} و کتب بسیار دیگری از آثار دوران پیری اوست.

در این دوره زندگانی او با کمال افتخار و احترام توأم بود. در سال ۱۸۸۱ که هشتاد بهار بر گلستان عمرش گذشته بود مردم فرانسه با افتخار او جشنها گرفتند و ششصد هزار تن از ستایش کنندگانش برابر خانه وی گرد آمده از دیدار او فریاد های شادی بر آوردند.

روز جمعه ۲۲ ماه مه ۱۸۸۵ هوگو از دنیا و آرزوها و آلام آن چشم فرو بست.

وصیت نامه او پنج سطر بیشتر نبود :

۱- Les Travaillleurs de la Mer - ۲- L'Homme qui rit - ۳- William Shakespeare - ۴- Sedan - ۵- Actes et Paroles - ۶- Quatre-Vingt-treize - ۷- L'Art d'être grand-père - ۸- Religions et Religion - ۹- L'Année terrible - ۱۰- Torquemada

پنجاه هزار فرانک از دارائی خود را بفقرا میدهم .
 میلدارم که جسد مرا با تابوت گدایان بقبرستان برند .
 از دعا و طلب مغفرت کلیساها بیزارم .
 میخواهم که همه مردم مرا دعا کنند .
 بخداوند ایمان دارم .

تشیع جنازه شاعر باشکوه و جلالی که هنوز هم در فرانسه نظیر نیافته است انجام گرفت . جسدش را بمراقبت دوازده تن از معاریف شعرا بزرگ طاق نصرت بردند و یکشب آنجا



عکس آثار طبع نشده ویکتور هوگو که در کتابخانه ملی فرانسه مضبوط است مجلداتی که در جانب چپ تصویر است آثار طبع شده و مجلدات جانب راست آثار طبع نشده شاعر است .

زیارتگاه عامه بود . روز بعد او را چنانکه خواسته بود در تابوت گدایان، ولی باشکوه تمام، به پاتهنون^۱ که مدفن بزرگترین رجال فرانسه است بردند و بخاک تیره سپردند .

تایایان قرن نوزدهم چنان مینمود که هوگو نمرده است، چه گذشته از ۶۷ مجلد

آثار او که در زمان حیاتش طبع شده بود آثار طبع نشده وی نیز بیایی منتشر میشد و چنان بود که شاعر هنوز بازمایش قریحه مشغولست. کتب ته‌آثر آزاد^۱، عاقبت شیطان^۲، مشهورات^۳، درسفر^۴، آلیها^۵، پیرنه^۶، فرانسه و بلژیک^۷، سالهای شوم^۸، اقیانوس^۹، توأمان^{۱۰}، و کتب بسیار دیگر از آثار است که پس از وفات او انتشار یافت.

هنوز هم آثار طبع نشده او بسیار است که بزودی بعنوان «اقیانوس» انتشار خواهد یافت. از آنجمله مطالب و عقائدی در سیاست است بعنوان انسان^{۱۱}، کودکی^{۱۲}، زمان حاضر^{۱۳}، هر بوط بانقلاب ۱۸۴۸، و آثاری در خصوص مسائل اجتماعی و تمدن و مجازات اعدام و مسائل علمی، و عقائد و افکاری در باب عشق و زن و مسائل فلسفی و غیره.

اینک نیم قرن از مرگ این نابغه شعر و ادب میگذرد. در وطن او فرانسه و در



ویکتور هوگو در بستر مرگ

سایر ممالکی که از ترجمه آثار وی بمقام ادبی این شاعر بزرگ پی برده اند بیاد او تظاهراتی میشود. ما هم لازم دانستیم که او را در چند صفحه بخوانندگان این مجله معرفی کنیم. ولی البته و یکتور هوگو زمانی خوب شناخته خواهد شد که دانشمندان ما آثار گرانبهای او را بفارسی ترجمه کنند و طالبان معرفت را بافکار بدیع او آشنا سازند.

۱ - Théâtre en liberté. ۲ - La Fin de Satan. ۳ - Cloches vues.

۴ - En Voyage. ۵ - Les Alpes. ۶ - Les Pyrénées. ۷ - France et Belgique.

۸ - Les Années funestes. ۹ - Océan. ۱۰ - Les Jumeaux. ۱۱ - L'Homme. ۱۲ - Enfance. ۱۳ - Le Temps présent.